

امکان‌سنجی ایجاد نهاد تجدیدنظر در پرتو ارزیابی انتقادی نظام ابطال آرای ایکسید (ICSID) و تجربه موفق هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی

ابراهیم بیگزاده*

محمد مخبر**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۰

چکیده

مشروعیت مرکز بین‌المللی حل اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری ایکسید (ICSID)، به‌عنوان یک نهاد مستقل، به میزان بسیار زیادی به عملکرد مناسب سازوکارهای مدیریت داخلی آن بستگی دارد. ابطال رأی داوری یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این دسته از سازوکارهاست. علاوه بر این، مشروعیت با داوری در اختلاف‌های سرمایه‌گذاری ارتباط ویژه‌ای دارد، چراکه در این دسته از داوری‌ها منافع عمومی دخیل هستند. ابطال رأی براساس کنوانسیون ایکسید را باید از جبران خسارتی که در دادگاه تجدیدنظر به آن رأی داده می‌شود، تفکیک کرد. صدور حکم ابطال فقط بر اساس دلایل مذکور در ماده ۵۲ این کنوانسیون امکان‌پذیر است. باوجود این، باید به دلایل صدور حکم ابطال کاملاً توجه کرد، گرچه این دلایل فقط مربوط به جنبه‌های رسیدگی به اختلاف‌ها نیستند. کمیته‌های تخصصی نیز باید به دلایل صدور حکم ابطال که در دسترس آنهاست، توجه کنند. همچنین، کمیته‌های تخصصی با در نظر داشتن عملکرد محدود ولی مهم جبران خسارت با صدور حکم ابطال، باید بتوانند نظر خود را در صدور حکم ابطال ابراز کنند. پرسش اصلی تحقیق این است که آیا ایجاد یک سازوکار تجدیدنظر از احکام داوری ایکسید (در پرتو موفقیت هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی) امکان‌پذیر است و ضرورت دارد؟

* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Ebrahim_beigzadeh@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

mohamadmokhber@yahoo.com

در واقع، برخلاف دیوان‌های ایکس‌سید که فاقد مرحله تجدیدنظر هستند، نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی نوعی سازوکار برای بررسی درخواست‌های تجدیدنظر دارد که می‌تواند الگویی برای ایکس‌سید باشد. گفتنی است که هدف از ایجاد نظام تجدیدنظر، تضعیف حمایت از سرمایه‌گذاری نیست. درست برعکس، نظام تجدیدنظر در صدد برقراری عدالت و توازن بین بازیگران مختلف است.

کلیدواژه‌گان

ایکس‌سید، سازمان تجارت جهانی، نظام ابطال آراء، نهاد تجدیدنظر.

مقدمه

هدف اولیه مرکز بین‌المللی حل اختلاف‌های سرمایه‌گذاری میان کشورها با اتباع دیگر کشورها (ایکسید)، تقویت توسعه اقتصادی به واسطه ایجاد فضای مطلوب و تسهیل جریان سرمایه‌گذاری خصوصی بین‌المللی است. آرون بروشه؛ از طراحان و بنیان‌گذاران این کنوانسیون، در تشریح این هدف می‌نویسد: «هدف کنوانسیون، ارتقای سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی از طریق بهبود فضای سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران خصوصی و نیز دولت میزبان است. تهیه‌کنندگان این کنوانسیون دقت کافی داشتند که سندی متوازن از حیث منافع دولت میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی ارائه نمایند. کنوانسیون به هر دو طرف، یعنی سرمایه‌گذار و دولت میزبان، اختیار اقامه دعوا می‌دهد».

ایکسید در اغلب موارد به‌عنوان نظامی مستقل و متکی به خود تعریف می‌شود، چراکه مداخله دادگاه‌های محلی در آن منع شده است و احکام این مرکز تمامی شروط لازم را برای اجرا دارند.^۱ بنابراین، با توجه به اینکه تقریباً هیچ کنترل بیرونی بر این آرا امکان ندارد، آنچه که باید در بررسی احکام صادره از سوی ایکسید انجام شود، به سازوکار داخلی این نهاد وابسته است. در میان سازوکارهای بررسی آرای صادره که در کنوانسیون ایکسید نیز آمده است، روش جبران خسارت با صدور حکم ابطال، و سیع‌ترین دامنه تأثیرگذاری، بیشترین مورد استفاده و در نهایت مهم‌ترین روش در تکامل این نظام حقوقی است.^۲ در مقابل، داورهای تجاری مشمول کنترل بیرونی توسط دادگاه‌های محلی هستند و حتی گاهی این مداخله در هنگامی صورت می‌گیرد که فرایند داور در حال انجام است.^۳

^۱Aron Broches.

^۲ آرون بروشه، «قانون حاکم و اجرای احکام در داورهای موضوع کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذار بین دولتها و اتباع دول دیگر»، ترجمه محسن محبی، دوره ۹، بهار و تابستان ۱۳۶۸، شماره ۱۰ (بهار و تابستان)، ص ۱۶۸.

^۳ICSID, Updated Background Paper on Annulment for the Administrative Council of ICSID (5 May 2016) (Updated Background Paper) para 2.

^۴Updated Background Paper, Op. cit, para 4.

^۵ Hi-Taek Shin, 'Annulment' in Meg Kinnear and others (eds), Building International Investment Law: The First 50 Years of ICSID (Kluwer Law International 2015), 699.

^۶Lisa M Bohmer, 'Finality in ICSID Arbitration Revisited' (2016) 31(1) ICSID Rev—FILJ 236, 237.

علاوه بر این، ایجاد تعادل میان قطعیت رأی صادره و مشروعیت فرایند داوری و رأی صادره موضوعی انتزاعی است.^۷ برخی از افراد بر نیاز به حل کارآمد اختلاف‌ها و امنیت حقوقی تأکید می‌کنند، اما عده‌ای دیگر نه فقط بر اهمیت صحت آرای صادره تأکید می‌کنند، بلکه علاوه بر دیگر ارزش‌های اجتماعی، به انصاف در حل اختلاف نیز توجه دارند. باوجوداین، در تعارض میان قطعیت رأی و مشروعیت آن در داوری اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری نسبت به داوری تجاری، بحث مشروعیت از اهمیت بیشتری برخوردار است. داوری تجاری بیشتر ناشی از اختلاف‌های حاصل میان دو شخص خصوصی است. درحالی‌که در سرمایه‌گذاری خارجی، یک شخص خصوصی و یک دولت (یا یک نهاد دولتی) دخالت دارند و به همین دلیل، منافع عمومی مطرح است، زیرا بودجه عمومی که مستقیم یا غیرمستقیم به عموم مردم تعلق دارد، باید صرف پرداخت مبالغ یا هزینه‌هایی شود که ناشی از رأی داوری است. زمانی که آرای صادره نه فقط دو شخص خصوصی، بلکه عموم مردم را متأثر می‌کند، باید بر محتوای این آرا و نیز فرایند صدور آنها دقت بیشتری صورت گیرد.^۸

با عنایت به مطالب یادشده، پرسش اصلی تحقیق این است که آیا ایجاد یک سازوکار تجدیدنظر از احکام داوری ایکسید (در پرتو موفقیت هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی) امکان‌پذیر است و ضرورت دارد؟ در این صورت آیا در راستای اهداف کنوانسیون وا شنگتن و ایکسید ارزیابی می‌شود یا خیر؟

فرضیه اصلی تحقیق این است که با عنایت به لزوم پیوستگی، قابلیت پیش‌بینی‌پذیری رویه ناشی از احکام داوری ایکسید، به نظر می‌رسد ایجاد سازوکار تجدیدنظر ضرورت دارد و به هدف کنوانسیون در تضمین و گسترش سرمایه‌گذاری بین‌المللی و تثبیت مشروعیت آن کمک خواهد کرد. در مقابل، در فرضیه مخالف (رقیب)، ایجاد سازوکار تجدیدنظر با قطعیت احکام داوری منافات دارد و با اهداف کنوانسیون مغایر به نظر می‌رسد.

برای پاسخ به این پرسش در بند اول به بررسی نظام ابطال احکام در ایکسید خواهیم پرداخت. در این بخش ابتدا کارکرد سازوکار صدور رأی ابطال در ایکسید را بررسی خواهیم کرد و

^۷David D Caron, 'Reputation and Reality in the ICSID Annulment Process: Understanding the Distinction between Annulment and Appeal' (1992) 7(1) ICSID Rev—FILJ 21, 24.

^۸Caron, p.27.

سپس به دلایل صدور حکم ابطال داوری می‌پردازیم. لازم به ذکر است، قطعی بودن آرای داوری بین‌المللی از دیرباز به عنوان یکی از مهم‌ترین مزایای این روش حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی مطرح بوده و هرگونه بازمینی، تجدیدنظر یا هر عنوان دیگری ممنوع شده است. علاوه بر این، قطعی بودن آرای داوری ضامن بسیاری دیگر از مزایای این شیوه حل اختلافات، مانند سرعت و هزینه، است که در صورت فقدان چنین اصلی تا حد زیادی به مخاطره می‌افتند.

بند دوم به ضرورت، دلایل و چگونگی ایجاد سازوکار تجدیدنظر دیوان‌های ایکسید با توجه به موفقیت نسبی هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی اختصاص دارد. در این بخش در پرتو مباحث گذشته، پرسش اساسی ضرورت ایجاد هیئت تجدیدنظر ایکسید بررسی شده است و دلایل ضرورت ایجاد مرکز تجدیدنظر ایکسید براساس تجربه سازمان تجارت جهانی ارائه می‌گردند.

۱. ابطال احکام در ایکسید

چنان‌که اشاره شد، در میان سازوکارهای بررسی آرای صادره که در کنوانسیون ایکسید نیز آمده، روش جبران خسارت با صدور حکم ابطال، وسیع‌ترین دامنه تأثیرگذاری، بیشترین مورد استفاده و در نهایت مهم‌ترین روش در تکامل این نظام حقوقی است.

شایان ذکر است، به طور کلی میان تجدیدنظر از آرای داوری بین‌المللی با روش‌های ابطال آرای مذکور دو تفاوت وجود دارد: تفاوت نخست مربوط به نتیجه این روش‌هاست. در تجدیدنظر، مرجع تجدیدنظرکننده رأی داوری را به طور کلی بررسی می‌کند و در صورت مشاهده اشکال یا ایرادهایی در آن، به تغییر و اصلاح رأی مذکور اقدام می‌نماید. اما در موردی که یکی از طرفین درخواست ابطال رأی داوری را مطرح می‌کند، یا اینکه مرجع صالح ضمن رسیدگی متوجه برخی از مبانی بطلان آرای داوری در رأی بدوی می‌گردد، صرفاً باطل بودن رأی را اعلام می‌کند؛ تفاوت دوم روش‌های مذکور در این است که تجدیدنظر وارد در ماهیت دعوی می‌گردد؛ درحالی‌که رسیدگی‌های ابطال صرفاً در محدوده برخی ایرادهای شکلی اساسی عمل می‌کنند؛ در ادامه توضیح داده خواهد شد که اجماع در میان اعضای کمیته تخصصی در خصوص نیاز به تفکیک دقیق میان سازوکار تجدیدنظر و ابطال فرایند داوری این مرکز، قبلاً توسط برخی

۹. عبداللهی، ۱۳۹۲، صص ۳۴ و ۳۵.

صاحب‌نظران بیان شده، ولی این تفاوت میان فرایند ابطال داوری و فرایند تجدیدنظر تاحدودی مبهم باقی مانده است.

۱.۱. کارکرد سازوکار صدور رأی ابطال در ایکسید

بخش پنجم کنوانسیون (مواد ۵۰ تا ۵۲) به تفسیر، تجدیدنظر و ابطال رأی اختصاص دارد. براین‌اساس، امکان تجدیدنظر در رأی صادره به سه طریق امکان‌پذیر است:^{۱۰}

الف) در صورت درخواست تفسیر رأی (ماده ۵۰):

ب) در صورت وقوع رویدادی مؤثر و درخواست تجدیدنظر در رأی (ماده ۵۱):^{۱۱}

ج) در صورت وجود جهات لازم برای اعلام بی‌اعتباری رأی (ماده ۵۲).

درخواست ابطال رأی در ایکسید بر اساس ماده ۵۲ باید متکی بر یک یا چند مورد از دلایل

زیر باشد:

۱. دادگاه به صورت قانونی تشکیل نشده باشد.

۲. دادگاه به طور آشکار از صلاحیت خود خارج شده باشد؛ یعنی دادگاه مرتکب خروج صلاحیتی^{۱۲} شده باشد.

۳. یکی از اعضای دادگاه مرتکب فساد شده باشد.

۴. در صورتی که از یک قاعده یا فرایند دادرسی تخطی شده باشد.

۵. در مواردی که رأی صادره از سوی دادگاه مبنای مستدلی نداشته باشد.^{۱۳}

یکی از قرائت‌هایی که از مفهوم و فرایند ابطال این مرکز صورت می‌گیرد، این است که ماده

۵۲ درخواست تجدیدنظر از رأی صادره از سوی ایکسید را ارائه نمی‌کند. در نظریه کمیته

۱۰. مجتهدی، محمدرضا، «درآمدی بر حقوق حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری ایکسید»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دوره ۲، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۳، ص ۱۹۳.

۱۱. شایان ذکر است، سازوکار تجدیدنظرخواهی از رأی مرکز و جهات تجدیدنظرخواهی از این آرا متفاوت از تجدیدنظرخواهی است که در محاکم داخلی و بعضاً بین‌المللی نسبت به رأی صادره انجام می‌گیرد. چراکه برخلاف بسیاری از قوانین ملی که حق تجدیدنظرخواهی و رسیدگی مجدد را در بسیاری موارد به عنوان یک اصل و حقی برای طرفین رسیدگی شناسایی می‌نماید، کنوانسیون واشنگتن تجدیدنظرخواهی را امری استثنایی می‌داند که فقط تحت شرایط خاص که همان کشف واقعیات مکتوم مانده در جریان دادرسی است، امکان تحقق می‌یابد (ریاحی، ۱۳۹۲، ص ۴۰).

۱۲ ultra petita.

۱۳ CSID Convention, art 52(1).

تخصصی دوم در دعوی ویوندی یونیورسال علیه آرژانتین،^۴ این قرائت از ماده ۵۲ مورد توافق همه اعضای کمیته قرار گرفت.^۵ در حقیقت، اجماع در میان اعضای کمیته تخصصی در خصوص نیاز به تفکیک دقیق میان سازوکار تجدیدنظر و ابطال فرایند داوری این مرکز، قبلاً توسط دیوید کارن بیان شده بود.^۶ ولی در همان زمان، او تأکید کرده بود که تفاوت میان فرایند ابطال داوری و فرایند تجدیدنظر مبهم باقی می‌ماند و همین ابهام در انجام وظیفه اعضای کمیته تخصصی و در میان صاحب‌نظران سردرگمی ایجاد کرده است.^۷

اینکه تفاوت میان ابطال و تجدیدنظر معیاری دقیق برای شناسایی دلایل معتبر ابطال بر اساس ماده ۵۲ نیست، حقیقتی شگفت‌آور به حساب نمی‌آید. حتی اگر کسی به دنبال شناسایی اصول کلی حقوق مرتبط با مفهوم تجدیدنظر برود و در حقوق داخلی تفحص کند، نمی‌تواند به تعریف دقیق فرایند تجدیدنظر برسد. محدوده تجدیدنظر در میان نظام‌های ملی حقوقی مانند دیگر مسائل متفاوت است.^۸ علاوه بر این، در خصوص بحث در خصوص کارکرد ابطال در ایکسید، با توجه به قوانین خاص و ماهیت نسبتاً مستقل مقررات دادرسی، نقد روش تجدیدنظری که در دیگر نظام‌های حقوقی بین‌المللی ارائه می‌شوند، از اهمیت اندکی برخوردار است.^۹ ولی وقتی عدم پیش‌بینی گزینه تجدیدنظر در ایکسید ناشی از این دانسته شود که گزینه‌های مطرح در ماده ۵۲ فقط برای بطلان داوری بیان شده‌اند، دیگر این بحث ادامه پیدا نمی‌کند. همچنین، در صورتی که در دسترس نبودن گزینه تجدیدنظر به دلیل عدم امکان انتقاد از رأی ایکسید بر مبنای اشتباه در ادله یا قانون باشد، این بحث پایان می‌یابد. علاوه بر این، به طور کلی در

^۴Vivendi Universal v Argentina.

^۵Companía de Aguas del Aconquija SA and Vivendi Universal SA v Argentine Republic, ICSID Case No ARB/97/3, Decision on the Argentine Republic's Request for Annulment of the Award Rendered on 20 August 2007 (10 August 2010) (Vivendi II) para 247(i).

^۶Caron, Op. cit, p.23.

^۷Ibid.

^۸Ibid, p.25.

^۹Rome Statute of the International Criminal Court (opened for signature 17 July 1998, entered into force 1 July 2002) arts 34, 39, 81-5.

^{۲۰}Vivendi II (n 13) para 247(i); EDF International SA, SAUR International SA and Leon Participaciones Argentinas SA v Argentine Republic, ICSID Case No ARB/03/23, Decision (5 February 2016) (EDF) para 67.

خصوص ماده ۵۲ این توافق وجود دارد که این ماده را نباید تفسیر موسع یا مضیق کرد، بلکه تفسیر این ماده باید بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل مرتبط با تفسیر معاهدات صورت گیرد. در اولین رأی صادره در خصوص ابطال در قضیه کلوکنر علیه کامرون^۱ بر این روش تفسیری تأکید شد.^۲ بر این مبنای کمیته تخصصی در قضیه سمپرا علیه آرژانتین^۳ خاطر نشان کرد که هیچ ماده‌ای در خصوص طرفداری از اعتبار رأی وجود ندارد.^۴ البته این ماده مورد قبول دیگر کمیته‌های تخصصی قرار نگرفته است؛^۵ اما از یک سو، میان این قرائت که ماده ۵۲ نباید موسع یا مضیق باشد و از سوی دیگر، ارجاع به ماهیت استثنایی جبران خسارت با ابطال داوری یکسید، تعارض وجود دارد.^۶ همان‌طور که ابراهیم شیهاتا^۷ دبیر کل ایکسید، در سال ۱۹۸۶ م استدلال کرده است، تاریخ این کنوانسیون نشان می‌دهد که نویسندگان آن خواهان تفسیر مضیق دلایل ابطال بوده‌اند، به‌گونه‌ای که این روش به صورت یک استثنا باقی بماند. با وجود این، تفسیر محدود یا مضیق از ماده ۵۲، ناشی از هیچ‌کدام از مواد کنوانسیون یا قواعد داوری نیست، همچنین هیچ‌یک از ابزارهای بیان شده ماهیت استثنایی جبران خسارت با صدور حکم ابطال داوری را مشخص نمی‌کنند. در ماده ۵۳ این کنوانسیون آمده است که احکام صادره از سوی این مرکز نباید مشمول تجدیدنظر یا روش‌های جبرانی دیگری به استثنای آنچه در کنوانسیون آمده است،

^۱Klōckner v Cameroon.

^۲ Klōckner Industrie-Anlagen GmbH and others v United Republic of Cameroon and Socié̄tē Camerounaise des Engrais, ICSID Case No ARB/81/2, Decision on Annulment (3 May 1985) (Klōckner) 3.

^۳Sempra v Argentina.

^۴Sempra Energy International v Argentine Republic, ICSID Case No ARB/02/16, Decision on the Argentine Republic's Request for a Continued Stay of Enforcement of the Award (Rule 54 of the ICSID Arbitration Rules) (5 March 2009) para 76.

^۵Hussein Nuaman Soufraki v United Arab Emirates, ICSID Case No ARB/02/7, Decision of the ad Hoc Committee on the Application for Annulment of Mr. Soufraki (5 June 2007) (Soufraki) para 22.

^۶Updated Background Paper, para 73.

^۷IbrahimShihata.

قرار بگیرند. با وجود این، طبق آنچه در کنوانسیون آمده است، فهرست جامع روش‌های جبران خسارت به این معنا نیست که این روش‌های جبرانی باید تفسیر مضیق شوند.^۱

۱.۲. دلایل صدور حکم ابطال داور

در این بخش، به هر یک از دلایل ابطال به اختصار اشاره می‌شود. البته مواردی که به فساد اعضای محکمه داور اشاره دارند، ماده (c)(1)(52) مورد توجه قرار نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، در این بخش مشکلات گزینش شده در خصوص دلایل مربوط بررسی می‌شوند.

۱.۲.۱. عدم تشکیل صحیح دیوان داور

در جریان مذاکرات انجام شده برای تصویب کنوانسیون ایکسید مشخص شد که: «عبارت (به درستی تشکیل شده است) به این منظور در این بند آورده شده که شروط گوناگونی را دربرگیرد. برای نمونه، عدم توافق یا توافق نادرست میان طرفین داور، واقعیتی که حاکی از تبعه کشور طرف قرارداد نبودن سرمایه‌گذار دارد یا اینکه یکی از اعضای دیوان داور حق داور شدن را ندارد و ...»^۲.

گرچه رویه قضایی بسیاری در خصوص دلایل ابطال موجود در ماده 52.1.a وجود ندارد، از آرای صادره از کمیته تخصصی دو پرسش مرتبط با بحث به وجود می‌آیند: اول اینکه آیا دلایل مذکور در این ماده، فقط مواردی را دربرمی‌گیرند که به شکل‌گیری دیوان داور می‌پردازند یا اینکه فراتر از آن می‌روند؟ دوم اینکه در مواردی که جرح داور به عنوان دلیلی برای ابطال داور مطرح شده است، آیا نقش کمیته تخصصی محدود به سنجش میزان سازگاری با فرایندی است که در کنوانسیون در خصوص جرح داور آمده، یا فراتر از آن است؟

در خصوص اولین مورد می‌توان چنین استدلال کرد که کمیته تخصصی در قضیه ای.دی.اف. اینترنشنال علیه آرژانتین آدریافت که ماده 52.1.a فقط به سازگاری با الزامات بخش چهارم، قسمت دوم کنوانسیون اشاره می‌کند. بخش مزبور در خصوص ایجاد نهاد داور خیلی مضیق

^۱ ICSID, History of the ICSID Convention: Documents Concerning the Origin and the Formulation of the Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States, vols II-2 (ICSID Publication 1968) 854.

^۲ ICSID, Op. cit, vol II-2, 850.

^۳ EDF International v Argentina.

تفسیر شده است. نظر نهایی کمیته تخصصی این بود که مطابقت نداشتن داور با استانداردهای الزامی مذکور در ماده ۱-۱۴ (که مستقل بودن داور در صدور رأی یکی از این الزامات است)، یکی از دلایلی است که می‌توان بر آن اساس رأی داوری را طبق ماده 52.1.a لغو کرد. این نتیجه منطقی است؛ متن و مقصود اصلی کنوانسیون، رویکردی محدودکننده دربارهٔ واژه «تشکیل شدن» را توجیه نمی‌کند. علاوه بر این، واژه اقدام‌های اولیه به شروط مختلفی اشاره می‌کند که احتمالاً در این دلایل گنجانده شده‌اند. هیچ دلیلی وجود ندارد تا بتوان مواردی را که بر استقلال داور یا بی‌طرفی او تأثیر می‌گذارند، از دلایلی که برای ابطال رأی داوری در ماده ۵۲ آمده‌اند، استثنا کرد.^۱

در خصوص دومین جنبه باید گفت که کمیته تخصصی در قضیهٔ آزریکس علیه آرژانتین^۲ بیان کرده است که کمیته زمانی می‌تواند رأی داوری را بر اساس ماده 52.1.a ابطال کند که نتوان خود را به درستی با فرایندی که برای جرح اعضای دیوان داوری در دیگر مواد موجود در کنوانسیون آمده است، انطباق داد. در اینجا بار دیگر کمیته رسیدگی‌کننده به قضیهٔ ای.دی.اف به طور صریح این رویکرد را رد کرد، چراکه نقش کمیته تخصصی در خصوص حفاظت از یکپارچگی فرایند داوری ترجیح دارد. در جایی که رویکرد کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیهٔ آزریکس باید پذیرفته شود، حتی متعارض‌ترین منافع نیز نمی‌تواند دلیلی برای لغو رأی داوری باشند. همچنین، حتی در هنگامی که این منافع متعارض در جریان داوری مطرح شده‌اند و پس از آنکه فرایند داوری مستقر شد، رد شوند، باز هم دلیل بر ابطال نمی‌شود.^۳

از سوی دیگر، کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیهٔ ای.دی.اف افزود، در وضعیتی که دیگر اعضای دیوان داوری یا رئیس شورای اجرایی این دیوان در خصوص عدم صلاحیت یکی از اعضای دیوان داوری رأی داده باشند، کمیته تخصصی محدود به شواهدی است که در رأی صادره در خصوص عدم صلاحیت عضو دیوان یافت می‌شوند. بنابراین، کمیته تخصصی نمی‌تواند

^۱ EDF, Op. cit, para 123-126.

^۲ Azurix Corp. v. The Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/01/12.

^۳ Jean-Christophe Honlet, Barton Legum and Anna Crevon, 'ICSID Annulment' in Marc Bungenberg and others (eds), International Investment Law (CH Beck, Hart, Nomos 2015), 1442.

بر اساس مواد 52.1.a یا 52.1.d دلایلی را برای ابطال رأی دیوان جست‌وجو کند، مگر آنکه تصمیم به صدور رأی عدم صلاحیت داور در بحث مطروح آن‌قدر غیرمنطقی باشد که هیچ حاکم عاقلی اقدام به صدور چنین رأیی نکند. در غیر این صورت، کمیته تخصصی در چنین حالتی، باید برای جرح تصمیم هیئت داورى تقاضای اعاده رسیدگی کند. البته این فرایندی است که بر اساس مواد ۵۷ و ۵۸ کنوانسیون، هیچ هدف مفیدی را محقق نمی‌کند، مگر آنکه برای عدم اعراض از حق جرح داور اطمینان حاصل شود. علاوه بر این، کمیته تخصصی خاطر نشان کرد که لغو رأی داورى تجدیدنظر به حساب نمی‌آید و نقش نظارتی کمیته تخصصی محدود به تصمیم‌گیری در خصوص این موضوع است که آیا دلایل ابطال ثابت شده‌اند یا خیر؟^۱

قسمت پایانی استدلال کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیه ای.دی.اف چندان قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد. دلایل مربوط به سیاست‌گذاری را می‌توان به دو روش، یعنی در پرتو قطعیت رأی صادره از دیوان داورى در برابر مشروعیت فرایند و دوگانگی رأی صادره، مطرح کرد. البته بحث اعاده دادرسی که کمیته تخصصی به آن اشاره می‌کند، ارتباط چندانی به بحث ندارد. کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیه ای.دی.اف به درستی نتیجه‌گیری کرده است که این کمیته می‌تواند نحوه تشکیل درست داورى را بررسی کند، بدون اینکه به سنجش احترام به فرایند جرح داوران محدود باشد. به طور کلی، کمیته تخصصی باید بررسی کند تا دریابد که آیا دلیلی برای ابطال داورى وجود دارد و اگر وجود دارد، آیا دیوان داورى به طور صحیح تشکیل شده است؟ بنابراین، گرچه دلایل مناسبی وجود دارند تا قضاات اصلی را با برخی از تفاوت‌ها آشتی داد، ولی هیچ توجیهی وجود ندارد که خود را با برخی از استانداردهای به شدت افراطی سازگار نمود؛ استانداردهایی که آن‌قدر غیرمنطقی هستند که هیچ قاضی معقولی به آنها توجه نمی‌کند. به همین دلیل است که در احکام صادره از ایکسید، اثری از اعمال این استانداردها دیده نمی‌شود.^۲

^۱ EDF, Op. cit, para 145.

^۲ Ibid, para 142.

۱.۲.۲. تجاوز صریح از صلاحیت^۱

دادگاه یا دیوان داورى زمانی از صلاحیت خود تخطی می‌کند که به محدوده‌ای که طرفین داورى مشخص کرده‌اند، احترام نگذارد؛ برای مثال به موضوع‌هایی رسیدگی کند که برای داورى در نزد آن مطرح نشده‌اند یا اینکه قانون حاکم را در داورى اعمال نکند. چنان‌که در نظریه کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیه سوفراکی علیه امارات متحده عربی آمده است، صلاحیت ایکسید را سه معیار الزامات قضایی (که در ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید آمده است)، قانون حاکم (که بر اساس بندهای موجود در ماده ۴۲ ایکسید مشخص شده است) و موضوع‌های مطروح از سوی طرفین داورى مشخص می‌کند. علاوه بر این، طبق ماده 52.1.b، برای اینکه تجاوز صریح از صلاحیت، زمینه‌ای را برای ابطال رأی داورى فراهم کند، باید آشکار باشد. آشکار بودن به طور کلی این‌طور تفسیر شده که شرط تجاوز از صلاحیت آن است که آشکار یا واضح باشد، گرچه گاهی جدیت ماهوی تجاوز از صلاحیت الزامی است. دو جنبه مرتبط با این دلیل در اینجا تحلیل شده‌اند؛ اول اینکه آیا در به‌کارگیری این دلیل برای صدور حکم ابطال از جنبه تعیین صلاحیت قضایی تفاوتی وجود دارد؟ دوم آنکه عدم اعمال قانون حاکم واقعاً چه معنایی دارد؟^۲

در خصوص اولین جنبه باید گفت، گاهی این‌طور استدلال می‌شود که هرگاه دیوان داورى به محدوده صلاحیت خود احترام نگذارد، به‌طور آشکار از صلاحیتش تخطی کرده است. این تفسیر از نظر مفهومی جذاب، ولی انطباق دادن این طرز تفسیر با متن ماده 52.1.b دشوار است. آن چیزی که ویژگی متمایز آشکار بودن تخطی را برای صدور حکم ابطال داورى معین می‌کند، در مثال مربوط به ناتوانی از بیان دلایل صدور حکم وجود ندارد؛ دادگاه داورى ممکن است از صلاحیت خود بدون اینکه آشکار باشد، تجاوز کند، طوری که تجاوز بدیهی نباشد. بنابراین، کمیته تخصصی به درستی تفسیر مذکور را رد کرده است. ولی از سوی دیگر، این حقیقت که تجاوز از صلاحیت باید آشکار باشد، به این معنا نیست که طرفی که به آن استناد می‌کند، باید بتواند بدون

^۱ ULTRA VIRES.

^۲ Soufraki vs United Arab Emirates.

^۳ Soufraki, Op. cit, para 40.

^۴ Kilic, I'ns_aat I ' thalat I ' hracat Sanayi ve Ticaret Anonim S_ irketi v Turkmenistan, ICSID Case No ARB/10/1, Decision on Annulment (14 July 2015) (Kilic,) para 55.

توضیح آن را نشان دهد. با توجه به پیچیدگی در حال رشد اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری، از نظر بحث دو طرف داور و استدلال دیوان داور، اثبات تجاوز بارز از قدرت، نیازمند توضیح خاصی است. در غیر این صورت، احکام طولانی و پیچیده در اغلب موارد از زیر بار ابطال بر اساس این دلیل شانه خالی می‌کنند، حتی اگر رأی داور به طور آشکار نشان‌دهنده تجاوز از صلاحیت باشد.^۱

در خصوص عدم اعمال قانون حاکم در داور باید گفت که به کارگیری نادرست قانون حاکم، حتی اگر آشکار هم باشد، دلیلی برای ابطال داور نیست. سر آرتور واتر^۲ به این نتیجه رسیده است که گاهی اوقات و وضعیتی پیش می‌آید که در آن وضعیت، دیوان داور هنگام اعمال یک قاعده حقوقی، این کار را آن قدر نادرست می‌بیند که می‌توان گفت آن اصل را در نظر نمی‌گیرد و اصلاً آن را اعمال نمی‌کند. برای نمونه، اگر دیوان داور قانون انگلستان را به درستی قانون حاکم بر داور بداند و به دنبال اعمال آن قانون در داور برآید، ولی به این نتیجه برسد که ملک در انگلستان از حمایت قانونی برخوردار نیست، آیا واقعاً می‌توان گفت که حقوق انگلستان را در داور اعمال کرده است؟ علاوه بر این، آیا زمانی این اصل اعمال می‌شود که دیوان داور به جای اعمال قوانین انگلستان، قانون کشورهای دیگری را اعمال کرده باشد؟^۳ بر اساس یافته‌های کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیه آمکو آسیا علیه اندونزی^۴ اخیراً پیشنهاد شده است که ابطال داور در این شرایط امکان‌پذیر نیست، چراکه دیوان داور مجموعه قانونی صحیحی را اعمال می‌کند و شناسایی قانون از صحت برخوردار است. کمیته تخصصی در قضیه دایملر علیه

^۱ Total SA v Argentine Republic, ICSID Case No ARB/04/1, Decision on Annulment (1 February 2016) (Total) para 176.

^۲ Sir Arthur Watts.

^۳ Lamm, Hellbeck and Riesenber (n 42) 697.

^۴ Amco Asia v Indonesia.

^۵ Amco Asia Corporation and others v. Republic of Indonesia, ICSID Case No. ARB/81/1.

^۶ identity of the law.

آرژانتین؛ دریافت که می‌تواند مشخص کند آیا دیوان دآوری به درستی قانون حاکم را شناسایی و برای اعمال آن تلاش کرده است یا نه؟^۲

تا آنجایی که دیوان دآوری قانون حاکم را شناسایی می‌کند، اگر حکم ابطال دآوری صادر نشود، به این معناست که ابطال دآوری فقط هنگامی توجیه دارد که دیوان دآوری مجموعه قوانینی را اعمال کند که متفاوت از آن قانونی است که باید اعمال می‌کرده است (مثلاً قانون حاکم قانون انگلستان یا حقوق بین‌الملل بوده، ولی دیوان دآوری قانون ژاپن را اعمال کرده است). به همین دلیل، چنین چیزی در تاریخ ایکسید اتفاق نیفتاده است و احتمالاً هرگز نیز اتفاق نمی‌افتد. این ایده که تمام آنچه دیوان دآوری باید انجام دهد، مشورت در باب قانون حاکم یا تلاش برای اعمال آن است، به نظر نمی‌رسد که نظریه جدیدی را ایجاد کند. کمیته تخصصی باید رویکردی جامع‌نگر به مسئله داشته باشد و در پرتو منبع اصلی اختلاف و مجموعه قوانین قابل اعمال به این نتیجه برسد که آیا دیوان دآوری به انتخاب طرفین در خصوص انتخاب قانون احترام گذاشته است یا خیر؟ در اصل، این استدلال به این معناست که اگر در یک رأی، قانون حاکم به طور صحیح شناسایی شده و تحلیلی حداقلی از موضوع حقوقی اصلی بر اساس این قانون حاکم شده باشد، در این دآوری می‌توان گفت که قانون حاکم اعمال شده است (بدون توجه به این مسئله که آیا تحلیل موجود در رأی دیوان کافی است یا خیر؟). علاوه بر این، ناتوانی در برخی از مواد خاص موجود در قانون حاکم معمولاً زمینه‌ای برای صدور رأی ابطال ایجاد نمی‌کند. باوجود این، نباید از نظر دور داشت که عدم اعمال برخی از مواد خاص قانونی، چنان تأثیر عمیقی بر حل اختلاف بر جای می‌گذارد که در برخی از شرایط می‌توان گفت قانون حاکم اعمال نشده است.^۳

^۱ Daimler v Argentina.

^۲ Daimler Financial Services AG v Republic of Argentina, ICSID Case No ARB/05/1, Decision on Annulment (7 January 2015) para 191.

^۳ Duke Energy International Peru Investments No 1 Ltd v Republic of Peru, ICSID Case No ARB/03/28, Decision of the ad Hoc Committee (1 March 2011) (Duke) para 212.

۱.۲.۳. انحراف اساسی از قواعد دادرسی

در خصوص ماده 52.1.d، در متن انگلیسی این کنوانسیون عبارت «انحراف اساسی از یکی از قواعد دادرسی» و در متن فرانسوی «تخطی اساسی از یکی از قواعد دادرسی» به کار رفته است.^۱ به طور کلی، این شرط به یکپارچگی و عادلانه بودن فرایند داورى مربوط می‌شود. هر یک از این دو متن موثق، به قاعده شکلی به طور مجزا اشاره می‌کنند. بنابراین، نقض قاعده‌ای اساسی، مثل فرایند شکلی دادرسی، می‌تواند حتی در صورت عادلانه بودن فرایند رسیدگی، لغو حکم داورى را توجیه کند.^۲

به‌طور کلی پذیرفته شده است که این دلیل زمینه‌ای را برای لغو حکم داورى فراهم می‌کند و به مجموعه‌ای از استانداردهای حداقلی اشاره می‌کند که باید به عنوان یکی از مسائل حقوق بین‌الملل به آن احترام گذاشت. معنای این سخن آن است که برای ارائه درخواست ابطال رأی داورى، نیاز نیست که در هر قضیه‌ای به نقض قاعده‌ای خاص در ایکسید یا نقض یکی از قواعد داورى مرکز اشاره شود، بلکه در صورت نقض قاعده یا اصلی اساسی نیز می‌توان درخواست ابطال رأی داورى را ارائه کرد.^۳

در نهایت، ممکن است گاهی به جنبه شکلی خاصی اشاره شود. کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیه آزروریکس بیان کرده است که نظر دیوان در خصوص اعمال صلاحیت بر اساس ماده 43.a کنوانسیون ایکسید و قاعده 34.2.a کنوانسیون، برای درخواست از طرفین داورى به منظور ارائه دلایل خود، محدودیت ندارد. این کمیته می‌افزاید، با وجود این، در صورتی که اعمال صلاحیت در تمام جنبه‌های قضیه باعث انحراف جدی از دیگر قواعد شکلی بسیار مهم شود، زمینه‌ای برای صدور حکم ابطال رأی داورى به وجود می‌آید. در حقیقت، کمیته تخصصی در حال بحث در خصوص قضایایی است که در آنها یکی از طرفین داورى از دیوان درخواست

^۱ a serious departure from a fundamental rule of procedure .

^۲ inobservation grave d'une règle fondamentale de procedure.

^۳ LaGrand (Germany v United States of America), Judgment [2001] ICJ Rep 466, para 101.

^۴ ICSID, Op. cit, vol II-2, 854.

می‌کند تا از طرف دیگر بخواهد که اسناد ادعای خود را ارائه دهد؛ درخواستی که منجر به ارائه شواهد بیشتر می‌شود.^۱

با وجود این، ایده‌ای که حاکی از نامحدود بودن صلاحیت دیوان دآوری ایکسید است، مشکل‌زاست؛ حتی اگر فرض شود که دیوان دآوری قواعد اساسی دیگر را نقض نمی‌کند. با توجه به نقش اساسی شواهد در رسیدگی به دعاوی، رویکردی محتاطانه‌تر ترجیح بی‌شتری دارد؛ مانند رویکردی که اخیراً توسط کمیته تخصصی رسیدگی‌کننده به قضیه تکو علیه گواتمالا^۲ به کار گرفته شد. این کمیته تخصصی خاطرنشان کرد که دیوان دآوری ملزم نیست که به کلیه شواهدی که ثبت شده است، اشاره کند. با وجود این، نظریه اخیر به این معنا نیست که دیوان دآوری می‌تواند شواهدی را که طرفین اهمیت زیادی برای آنها قائل هستند، نادیده بگیرد، آن هم بدون اینکه دیوان دآوری تحلیل کند و توضیح دهد که چرا این مقام دآوری شواهد مزبور را کافی، قانع‌کننده و رضایت‌بخش نمی‌داند. این موضوعی کلیدی است. دیوان دآوری البته می‌تواند به طور کامل، ارتباط شواهد ارائه‌شده توسط طرفین را با دآوری رد کند و ملزم نیست که به کلیه شواهد ارائه‌شده اشاره کند. با این همه، عدم ذکر این شواهد و توجه به آنها در شرایطی که یکی از طرفین تأکید زیادی روی آنها کرده است و شواهد از جمله مدارکی است که به موضوعی مهم در قضیه اشاره می‌کند، در خصوص فرایند صحیح رسیدگی به اختلاف، نگرانی ایجاد می‌کند. در برخی از قضایای خاص، این مورد ممکن است توجیهی برای صدور حکم لغو دآوری باشد.^۳

۱.۲.۴. عدم مستدل بودن رأی صادره

وظیفه دیوان دآوری ایکسید بیان دلایلی است که حکم صادره بر مبنای آنها صادر شده است. این وظیفه در ماده ۳-۴۸ و در دیگر دلایل مرتبط با امکان ابطال رأی دآوری در ماده 52.1.e بیان شده است. این در واقع در پاسخ به پیشنهادی معروف اما پذیرفته نشده‌ای است که در خصوص عدم الزام دیوان دآوری به بیان دلایل صدور رأی، در جریان مذاکرات کنوانسیون آرون بروشه است. در خلال مذاکرات مزبور تأکید بسیار زیادی بر الزامی بودن بیان دلایل صدور رأی

^۱ Azurix, Op. cit, para 208.

^۲ TECO Guatemala Holdings LLC v Republic of Guatemala (ICSID Case No. ARB/10/23).

^۳ TECO Guatemala Holdings, LLC v Republic of Guatemala, ICSID Case No ARB/10/23, Decision on Annulment (5 April 2016) para 131.

شده بود. بروشه سال‌ها بعد در باره حذف این الزام در جریان مذاکرات، دیدگاه‌های خود را مطرح کرد که با ۲۸ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف تصویب شد. بر این اساس، طرفین داوری این حق را دارند تا با ایده ملزم نبودن دیوان داوری در بیان دلایل موافقت کنند. به نظر بروشه، این تصمیم بر اهمیت بیان دلایل از نظر پیش‌نویس‌کنان کنوانسیون تأکید می‌کند و مؤلفه‌ای است که کمیته تخصصی می‌تواند آن را در نظر بگیرد!

با توجه با اهمیت این موضوع، امکان ندارد که در اینجا بر مبنای این استدلال بتوان قضاوت کرد. در قضیه ونا هتلز علیه مصر^۲ کمیته تخصصی این‌گونه استدلال کرده است: «اگر حکم صادره از سوی دیوان داوری، حداقل الزامات را در خصوص دلایل ارائه شده توسط دیوان برآورده نسازد، لزوماً نیاز به طرح مجدد اختلاف در دیوان داوری جدید نیست. اگر کمیته تخصصی به این نتیجه برسد که بر مبنای دانشی که در خصوص اختلاف مطروح به دست آورده است، می‌تواند دلایلی را که از رأی دیوان داوری پشتیبانی می‌کنند، در کمیته تخصصی توضیح داد».

۲. ضرورت، دلایل و چگونگی ایجاد سازوکار تجدیدنظر دیوان‌های ایکسید در پرتو موفقیت هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی

نظام حل اختلاف (DSS)^۳ سازمان تجارت جهانی (WTO) برای حفظ امنیت و پیش‌بینی‌پذیری نظام تجارت جهانی و تأثیرگذاری احکام آن بر توسعه حقوق بین‌الملل، تحسین شده است؛ سیستم دومرحله‌ای رسیدگی و تجدیدنظر نقشی مؤثر در اجرای تعهدات فراگیر سازمان تجارت جهانی داشته است. اعضای این سازمان نیز همواره از احکام تأثیرگذار هیئت تجدیدنظر (AB)^۴ تمکین کرده‌اند. این نظام دومرحله‌ای با وجود برخی تأخیرها در تکمیل

^۱ Aron Broches, 'Observations on the Finality of ICSID Awards' (1991) 6(2) ICSID Rev—FILJ 321, 331.

^۲ Wena Hotels Ltd v Arab Republic of Egypt, ICSID Case No ARB/98/4.

^۳ Wena Hotels Ltd v Arab Republic of Egypt, ICSID Case No ARB/98/4, Decision (5 February 2002) (Wena) para 83.

^۴ dispute settlement system.

^۵ Pascal Lamy, 'The Place of the WTO and its Law in International Legal Order' (2006) 17 (5) EJIL 969-84.

^۶ Appellate Body .

گزارش‌ها، به‌ویژه در مرحله رسیدگی، حتی در زمان مواجهه با زوی سیاسی سازمان با بن‌بست، عملکردی بسیار مناسب داشته است.^۲ در صورت دریافت درخواست تجدیدنظر، حضور همه اعضای هیئت تجدیدنظر ضروری است. با وجود این، عضویت در هیئت رسیدگی و هیئت تجدیدنظر شغلی تمام‌وقت به شمار نمی‌رود.

با توجه به نارضایتی‌ها از برخی احکام صادره و همچنین عملکرد نظام فعلی داوری دعاوی سرمایه‌گذاری، بارها پیشنهاداتی ارائه شده است که بر ایجاد نوعی سازوکار تجدیدنظر مشابه هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی برای داوری دعاوی سرمایه‌گذاری تأکید می‌کنند. جلسات هیئت رسیدگی سازمان تجارت جهانی به صورت موردی و به روشی شبیه به دیوان‌های ایکسید برگزار می‌شود. برخلاف دیوان‌های این مرکز که فاقد مرحله تجدیدنظر هستند، نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی نوعی سازوکار برای بررسی درخواست‌های تجدیدنظر دارد. بدیهی است که اقناع دیپلماتیک و استدلال‌های غیرحقوقی که در همه نظام‌هایی که دولت‌ها موضوع آنها هستند، رخ می‌دهند، به صورت کامل از نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی حذف نشده‌اند و به‌ویژه در مرحله مشاوره، همچنان حضور دارند. راه‌اندازی هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی، برخلاف سلفش، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) (GATT) و دیگر ساختارهای بین‌دولتی، نشانه‌ای از تمایل اعضای این سازمان به قضایی‌سازی فرایند حل اختلافات تجاری چندجانبه است.^۳ با وجود اینکه همیشه از واژه «دادگاه» برای اشاره به نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی استفاده نمی‌شود، این نظام «شبه‌دادگاه» که با استفاده دقیق از اصول حقوق بین‌الملل و قواعد تف‌سیر به حل اختلافات می‌پردازد، نه فقط برای موافقت‌نامه‌های

^۱ Matthew Kennedy, 'Why Are Panels Taking Longer? And What Can Be Done About It?' (2011) 45(1) JWT 221-53.

^۲ مذاکرات تجاری دور دوحه (موسوم به دستور کار توسعه‌ای دوحه) نمونه خوبی برای اشاره به این مورد است. علاوه بر این، باید به دستاوردهای اخیر سازمان تجارت جهانی در کسب موافقت اعضایش برای امضای موافقت‌نامه تسهیل تجارت دسامبر ۲۰۱۳ نیز اشاره کرد. برای مطالعه متن این موافقت‌نامه، ر.ک. موافقت‌نامه تسهیل تجارت - تصمیم وزرا - (WT/MIN(13)/36) پالی، ۷ دسامبر ۲۰۱۳.

^۳ James Cameron and others, 'Principles of International Law in the WTO Disputes Settlement' (2001) 50 ICLQ 248-98.

تجاری منطقه‌ای، بلکه برای رویه حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحت نظارت ایکسید، همچون الگو، نیز مدنظر قرار می‌گیرد. در این قسمت از مقاله، علاوه بر اشاره به مجموعه‌ای از هشدارها، نوعی نظام هنجاری تجدیدنظر برای حل اختلافات سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌شود. بر اساس استدلال‌هایی که مطرح خواهد شد، هدف از ایجاد نظام تجدیدنظر، تضعیف حمایت از سرمایه‌گذاری نیست. درست برعکس، نظام تجدیدنظر درصدد برقراری عدالت و توازن بین بازیگران مختلف است.

در این قسمت به صورت اجمالی به تفاوت‌های بین هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی و کمیته ابطال ایکسید اشاره و ابتدا به بررسی سازوکار این نهاد و دلایل موفقیتش پرداخته خواهد شد. در ادامه، دلایلی مبنی بر امکان‌پذیری فرایند تجدیدنظر در ایکسید ارائه می‌شود و سپس با دیدگاهی آشنا می‌شویم که به دلایلی می‌پردازند که باعث شده‌اند این هیئت نه فقط «گل سرسید» سازمان تجارت جهانی در نظر گرفته شود، بلکه در کل نظام حقوق بین‌الملل نیز جایگاهی مشابه داشته باشد. همچنین، پیوند بین حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق معاهدات سرمایه‌گذاری که همچنان ماهیتی متلاشی و پراکنده دارد، بررسی خواهد شد. با توجه به اثربخشی نظام‌های تجدیدنظر در دو سطح ملی و بین‌المللی، در نهایت دلایلی تصریح خواهد شد که به لزوم ایجاد مرکز تجدیدنظر برای داوری دعاوی سرمایه‌گذاری اشاره دارند.

۲.۱. هیئت تجدیدنظر ایکسید؛ آری یا خیر؟

در یکی از گزارش‌های مذاکرات ایکسید در سال ۲۰۰۴ میلادی، ضمن اشاره به برخی هشدارها، توافق نظر عمومی بر آن بوده است که وجود سازوکار تجدیدنظر در ایکسید به «تقویت انسجام و یکپارچگی قانون موضوعه معاهدات سرمایه‌گذاری» می‌انجامد. یکی از عواملی که به

۱. به عنوان مثال، رک. به نسخه ۲۰۰۴ سازوکار پیشرفته حل اختلافات اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌ان) (ASEAN). در این سازوکار، تجدیدنظر نیز امکان‌پذیر است. پروتکل سازوکار پیشرفته حل اختلاف آسه‌ان توسط وزارت اقتصاد این اتحادیه در دهمین اجلاس سران این اتحادیه در ویتنام لائوس تصویب شد (۲۹ نوامبر ۲۰۰۴).
<http://cil.nus.edu.sg/tp/pdf/2004%20ASEAN%protocol%20on%20Enhanced%20Dispute%20Settlement20Mechanism-pdf.pdf>

۲ Asif H Qureshi, 'An Appellate System in International Investment Arbitration?' in Peter Muchlinski, Federico Ortino and Christoph Schreuer (eds), *The Oxford Handbook on International Investment* (OUP 2008) 1165-67.

ضرورت راه‌اندازی مرکز تجدیدنظر اشاره دارد، ابراز نگرانی‌های مکرر سیاست‌گذاران و پژوهشگران در این زمینه است. علاوه بر این، کارآمدی هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی نیز از جمله دلایلی است که بر ضرورت تدوین این نظام تأکید دارد. بحران مشروعیت ادراک شده ایکسید را با گرفتاری‌هایی مواجه کرده و همین امر موجب شده است که تعدادی از کشورها در مواجهه با کاستی‌های نهادی ذاتی این نهاد دلسرد شوند و بعضی از آنها، مانند بولیوی و اکوادور، نیز اختیارات قانونی آن را کأن لم یکن تلقی کرده‌اند.^۱ همان‌گونه که در کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحده آمده است، برخی از نگرانی‌ها درباره روند فعلی حل اختلافات بین سرمایه‌گذاران و دولت (ISDS) عبارت‌اند از: «نقصان مشروعیت و شفافیت، تناقضات موجود بین احکام داوری، دشواری اصلاح تصمیمات داوری نادرست، تردید درباره استقلال و بی‌طرفی داوران و ...».^۲ بنابراین، شرایط موجود به ضرورت ایجاد مرکزی عالی برای بررسی درخواست‌های تجدیدنظر اشاره دارد.^۳

اما واقعیت این است که در گزارش دبیرخانه ایکسید، راه‌اندازی مرکز تجدیدنظر از جهاتی خاص عملی «شتاب‌زده» تلقی شده^۴ و به دشواری دستیابی به اجماع نظر در میان اعضای این نهاد نیز اشاره شده است. علاوه بر این، برخی مفسران این حوزه نیز راه‌اندازی نظام تجدیدنظر ایکسید را غیرواقع‌گرایانه می‌دانند.^۵ بر اساس استدلال‌ها، این نظام تجدیدنظر با روح ماده ۵۳ کنوانسیون

^۱ UNCTAD, 'Denunciation of the ICSID Convention and BITs: Impact on Investor-State Claims' UNCTAD International Investment Agreement Issues Note 2 (New York: United Nations, 2010) 1-2.

^۲ investor state dispute settlement.

^۳ UNCTAD, Reform of Investor-State Dispute Settlement: In Search of a Roadmap, (2013) http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/webdiaepcb2013d4_en.pdf.

^۴ Erin E Gleason, 'International Arbitral Appeals: What Are We So Afraid of?' (2007) 7 (2) Pepperdine Dispute Resolution L J 271-72.

^۵ Christoph Schreuer, 'Revisiting the System of Investment Awards', (BIICL publications, 2009) at 2.

^۶ OECD, Improving the System of Investor-State Dispute Settlement, Working Papers on International Investment Number 2006/1, 2006 at 3.

ایکسید در تناقض قرار دارد. بر اساس محتوای این ماده، حکم باید «برای طرفین الزام‌آور باشد و نباید به غیر از موارد مطرح در کنوانسیون، موضوع درخواست تجدیدنظر یا هر گونه اقدام اصلاحی دیگر قرار بگیرد».

بر اساس مجموعه‌ای از استدلال‌ها، راه‌اندازی نظام تجدیدنظر، تبعیت اعضا از هدف دکترین داوری را که قطعیت‌بخشی به واسطه صدور حکم است، تضمین می‌کند. از همین رو، به نظر می‌رسد بهتر باشد هیئتی مستقل (متفاوت از هیأت تجدیدنظر) برای شفاف‌سازی پرونده‌های مناقشه‌انگیز تشکیل شود که از دیوان‌های موردی کنونی ارجاع داده می‌شوند. بدین ترتیب، این هیئت جایگزین هیئت تجدیدنظر خواهد شد.^۲ مزایای این هیئت مستقل عبارت‌اند از: یکپارچگی در تصمیمات داوری، حفظ دکترین قطعیت احکام،^۳ حصول اطمینان از نقض نشدن ماده ۵۳ کنوانسیون ایکسید و بی‌نیازی به اصلاح کامل این کنوانسیون.^۴ البته این رویکرد در پیوند دادن فعالیت‌های این هیئت مستقل با کمیته ابطال ایکسید که هم‌اکنون وجود خارجی دارد، ناموفق است. به همین ترتیب، استدلال‌های دیگری نیز مطرح شده است که به مشکلات بالقوه نظام تجدیدنظر اشاره دارند یا درصدد حذف ضرورت راه‌اندازی آن هستند و هدفشان بهینه‌سازی عملکرد چارچوب فعلی ایکسید است. به عنوان مثال، چنین استدلال شده است که طرفین قرارداد ممکن است طبق ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید و به دلیل عملکرد آشفته کمیته ابطال، رویه ابطال را از معاهده‌شان حذف کنند.^۵ از سوی دیگر، عده‌ای دیگر به این دیدگاه پاسخ داده و تأکید کرده‌اند که «تفسیر نظام‌مند کنوانسیون از حق حذف امکان ابطال در قالب پیش‌توافق حمایت

^۱ Thomas W Walsh, 'Substantive Review of ICISD Awards: Is the Desire for Accuracy Sufficient to Compromise Finality?' (2006) Berkeley J Intl L 445.

^۲ Christoph Schreuer, Revisiting the System of Review for Investment Awards, (BICL publication, 2009) 4-7.

^۳ Ian Laird and Rebecca Askew, Finality versus Consistency: Does Investor-State Arbitration Need an Appellate System?, Journal of Appellate Practice and Process, Vol. 7, No. 2, (2005) at 298.

^۴ Christoph Schreuer, Revisiting the System of Review for Investment Awards, (BICL publication, 2009) at 4-7s.

^۵ Kenneth S Jacob, 'Reinvigorating ICSID with a New Mission and with Renewed Respect for Party Autonomy' (1993) 33 Virginia J Intl L 153.

نمی‌کند». به همین ترتیب، به عقیده برخی صاحب‌نظران، یادداشت تفسیری شورای اداری درباره نحوه تفسیر شرایط ابطال موضوع ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید (طبق ماده ۶ (۳) کنوانسیون ایکسید) عاملی مهم در کاهش ترس‌ها و نگرانی‌های طرفین قرار داد است.^۱ بر اساس استدلال‌ها، این یادداشت تفسیری از انحراف کمیته ابطال، از مسئولیت آن جلوگیری خواهد کرد.^۲ بنابراین، بر اساس استدلال حامیان این دیدگاه، از آنجا که دستیابی به اجماع‌نظر در میان اعضای ایکسید برای راه‌اندازی نظام تجدیدنظر در این نهاد با دشواری‌های بالقوه فراوانی روبرو است، این گونه نوآوری‌ها در مقایسه با سایر راه‌حل‌ها واقع‌گرایانه‌تر خواهد بود. در مقابل، حتی اگر همه اعضای ایکسید در نهایت بر سر اصلاح کنوانسیون ایکسید و گنجاندن نظام تجدیدنظر در آن به توافق نظر بر سند، راه‌اندازی عملی آن همچنان قطعی نخواهد بود.^۳ علاوه بر این موانع حقوقی، ایکسید نمی‌تواند خود را به صورت کامل از جریان‌های سیاسی نهفته رها کند. به عنوان مثال، به نظر می‌رسد جو کنونی حاکم بر روند تصمیم‌گیری‌های ایکسید به نفع کشورهای صادرکننده سرمایه و به ضرر کشورهای واردکننده سرمایه باشد. بنابراین، برخی از کشورهای صادرکننده سرمایه ممکن است انگیزه‌ای برای راه‌اندازی هیئت تجدیدنظر برای بررسی پرونده‌هایی نداشته باشند که دیوان‌های فعلی ایکسید در صدور حکم آنها مرتکب اشتباهاتی شده‌اند. در واقع، این کشورهای صادرکننده سرمایه ممکن است ترجیح دهند دقت تصمیمات فدای قطعیت احکام شود تا بدین ترتیب، بتوانند از سرمایه‌گذارانشان در سایر کشورها حمایت کنند.^۴

با وجود این استدلال‌ها، دلیلی معتبر برای جایگزین کردن نهادی اصلاحی در قالب هیئت تجدیدنظر ایکسید وجود دارد. از سه رویکرد می‌توان برای راه‌اندازی این مرکز استفاده کرد؛ سه

^۱ Schreuer, The ICSID Convention (n80) 918.

^۲ Jason Clapham, 'Finality of Investor-State Arbitral Awards: Has the Tide Turned and is there a Need for Reform?' (2009) 26 J Intl Arbi 460.

^۳ Benjamin M Aronson, 'A New Framework for ICSID Annulment Jurisprudence: Rethinking the Three Generations' (2012) 6 Vienna J Intl Constitutional L at 37.

^۴ George R Delaume, 'The Finality of Arbitration Involving States: Recent Developments' (1989) 5 Arbi Intl 32.

^۵ Thomas W Walsh, 'Substantive Review of ICISD Awards: Is the Desire for Accuracy Sufficient to Compromise Finality?' (2006) Berkeley J Intl L 461.

رویکردی که قادر به رفع موانعی هستند که پیش از این به آنها اشاره شد و عبارت‌اند از: ۱. استناد به ماده ۶ (۳) کنوانسیون ایکسید؛ ۲. انعقاد پروتکل؛ ۳. اصلاح ماده ۵۳ کنوانسیون ایکسید. طبق ماده ۶ (۳) کنوانسیون ایکسید، شورای اداری این اختیار را دارد تا در صورتی که اقدامی را برای پیاده‌سازی کنوانسیون ضروری ببیند، خود آن را عملی کند. بنابراین، این شورا می‌تواند با استفاده از این قدرت احتیاطی، اقدام به راه‌اندازی مرکز تجدیدنظر کند. البته، در صورتی که این اقدام از نظر عملی غیرممکن باشد، می‌توان از پروتکل‌ها نیز کمک گرفت. پروتکل موافقت‌نامه‌ای است که پس از انعقاد معاهده به دست می‌آید و ممکن است مفادی را به معاهده اضافه کند، مفادی را از آن حذف کند یا به اصلاح معاهده اصلی بپردازد. در این مورد نیز می‌توان از پروتکل برای راه‌اندازی مرکز تجدیدنظر بهره برد. با وجود آنکه مباحث متعددی درباره دشواری اصلاح ماده ۵۳ مطرح شد، این پروژه را نمی‌توان پروژه‌ای غیرممکن دانست. بنابراین، باید ترس‌های شکاکان را کاهش داد. برای تحقق این هدف، باید به آنها اطمینان داد که هدف از راه‌اندازی مرکز تجدیدنظر، تضعیف حقوق هر یک از طرفین یا تبعیض قائل شدن برای منافعی نیست. در واقع، بهتر است ایکسید سریع‌تر دست به کار شود و از میان گزینه‌های یادشده بهترین را انتخاب کند!

بنابراین، برخی از وظایف چارچوب تجدیدنظر عبارت‌اند از: رفع بی‌عدالتی ادراک‌شده در جریان اقدامات صورت‌گرفته در دیوان بدوی؛ تصحیح اشتباهات حکمی و موضوعی؛ دستیابی به یکپارچگی حقوقی و بررسی کاستی‌های شکلی. به همین ترتیب، دلایلی که طبق ماده ۵۲ کنوانسیون ایکسید برای ابطال مجاز شمرده می‌شوند، نیز باید در چارچوب جدید حفظ شوند. در نتیجه، چارچوب فعلی ایکسید باید به صورت اساسی بازمفهوم‌سازی شود تا یک نظام تجدیدنظر شبیه به هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی شکل بگیرد. دیوان‌های فعلی بدوی و موردی ایکسید را نیز می‌توان حفظ کرد و هیئت‌های تجدیدنظر نهادی که اعضای دائمی دارند، باید به مثابه مکمل به چارچوب ایکسید افزوده شوند. مزایای این هیئت‌های تجدیدنظر فراوان است. در این راستا، اشاره به نکات زیر بسیار ارزشمند خواهد بود:

¹ UNCTAD, Reform of Investor-State Dispute Settlement: In Search of a Roadmap, at 1-2.

² Charles M Oldfather, 'Error Correction' (2010) 85 Indiana L J 59-62.

۱. ایجاد هیئت تجدیدنظر بررسی دقیق تصمیمات دیوان بدوی را تضمین می‌کند و به شکل‌گیری نتایجی منطقی‌تر می‌انجامد. این تحولات مفهوم پیش‌بینی‌پذیری روابط سرمایه‌گذاری را مشخص‌تر می‌کند و به رویه‌ای شکل می‌دهد که «رویه مستمر» نام دارد.
۲. علاوه بر این، ایجاد این هیئت به تحقق انصاف شکلی می‌انجامد، زیرا این هیئت همچون مجمعی خواهد بود که طرفی که احساس می‌کند مورد ظلم قرار گرفته است، می‌تواند ناراضی خود را در آن مطرح کند و خواستار بررسی مجدد تصمیم دیوان بدوی شود. بدین ترتیب، طرفین فرصتی برابر خواهند داشت که یادآور الگوی به‌کاررفته در سازمان تجارت جهانی خواهد بود.^۱ جالب‌تر از آن، قضایی‌سازی فزایندهٔ ایکس‌سید^۲ که ممکن است تأثیراتی اجتناب‌ناپذیر بر کاربران آیندهٔ این مجمع برجا بگذارد، تعیین ساختار تجدیدنظر نظام‌مندتری را ضروری کرده است که می‌تواند همهٔ طرف‌های موافقت‌نامه‌ها را با خود همراه کند. بدین ترتیب، فرضیهٔ اصلی این تحقیق مبنی بر اینکه ایجاد سازوکار تجدیدنظر ضرورت دارد و به هدف کنوانسیون در تضمین و گسترش سرمایه‌گذاری بین‌المللی و تثبیت مشروعیت آن کمک خواهد کرد، تأیید می‌گردد، چراکه بر لزوم پیوستگی، قابلیت پیش‌بینی‌پذیری رویهٔ ناشی از

^۱ Georgio Sacerdoti, 'Precedent in the Settlement of International Economic Disputes: The WTO and Investment Arbitration Models' Bacconi Legal Research Papers No. 1931560 (2011).

^۲ این پیشنهاد با در نظر گرفتن این نکته مطرح شده است که نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی با موافقت‌نامه‌هایی سروکار دارد که به نوعی با یکدیگر روابطی متقابل دارند؛ این در حالی است که داورهای ایکس‌سید با موافقت‌نامه‌هایی بسیار مجزا و چندتکه سروکار دارند. البته نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی «فرستی را در اختیار کشورهای کوچکی که از نظر اقتصادی ضعیف هستند، قرار می‌دهد تا اقدامات تجاری اعضایی را که از نظر اقتصادی قدرتمندتر هستند، به چالش بکشند». بنابراین، در نظام سازمان تجارت جهانی، حق در برابر قدرت می‌ایستد.

Lacarte-Muro and Gappah (n 92) 400-01. Ngaangjoh Hodu, *Theories and Practices of Compliance with WTO Law* (Kluwer 2012).

در چارچوب نظام حاکم بر ایکس‌سید، این شرایط را می‌توان به سناریویی تشبیه کرد که در آن، کشور میزبان می‌تواند برخی تصمیمات را که با منافعش مغایرت دارند و در مقابل، هم‌راستا با منافع سرمایه‌گذاران چندملیتی هستند، به چالش بکشد.

Collins C Aijbo, 'Legitimacy Challenges in Investor-State Arbitration Interpretative Principles: Reflecting on a Balancing Tool' (2013) 10(3) *Manchester J Intl Econ L* 382.

^۳ داورهای ایکس‌سید به صورتی فزاینده رویه‌هایی شبیه به رویه‌های دادگاه‌ها را اتخاذ می‌کنند. این رویه‌ها ارزشی مسبوق به سابقه دارند که بر کاربران آینده تأثیر می‌گذارد.

Alec Stone Sweet, 'Arbitration and Judicialization' (2011) 1(9) *Ontario Social-Legal Series* 7.

احکام دآوری اکسید تأکید و از بحران مشروعیتی که از آن سخن به میان آمد، جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، ایکسید باید از مزایای ناشی از تجدیدنظر بهره‌مند شود تا بتواند از مزایای فوق به نفع خودش استفاده کند و موج سرخوردگی مشاهده‌شده در بین برخی از اعضایش را متوقف کند. مسلماً در روند فعلی، ابطال تصمیمات دیوان‌های ایکسید نمی‌تواند به تأمین منافع طرفین متعاقد به کنوانسیون ایکسید، به‌ویژه کشورهای واردکننده سرمایه، کمک کند. این وضعیت نامتوازن به ضرورت راه‌اندازی هیئت تجدیدنظر اشاره دارد که می‌تواند همچون ناظر عمل کند. مسلماً کشورهای میزبان باید از سرمایه‌گذاری خارجی حمایت کنند و تنها هدف سرمایه‌گذاران خارجی کسب منافع مالی در سرمایه‌گذاری است. بنابراین، محروم کردن سرمایه‌گذار از سود ناشی از سرمایه‌گذاری منصفانه نخواهد بود. علاوه بر این، دولت‌های میزبان تضمین‌ها و شواهدی را مبنی بر حمایت کافی از سرمایه‌گذاری خود ارائه داده‌اند. در همه موارد، دولت میزبان برای عمل به تعهداتش، ناگزیر مجبور به اتخاذ استانداردهایی دوگانه خواهد شد تا بتواند قواعد را در میانه راه تغییر دهد و بدین ترتیب، بتواند به تعهدش مبنی بر حمایت از سرمایه‌گذاری بدون توسل به اصلاحات مناسب عمل کند. البته فرضیه نهادی بنیادین که مبنای شکل‌گیری چارچوب ایکسید است، صرفاً به حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی محدود نیست. در واقع، در مقدمه کنوانسیون ایکسید آمده است که توسعه اقتصادی کشورهای میزبان بخشی از انگیزه اصلی شکل‌گیری ایکسید بوده است. لذا فرضیه مخالف (رقیب) مبنی بر اینکه ایجاد سازوکار تجدیدنظر با قطعیت احکام دآوری منافات دارد و معایر اهداف کنوانسیون به‌نظر می‌رسد، مردود است. چنان‌که به نظر می‌رسد، طرف‌داران وضع موجود نگران آن هستند که راه‌اندازی هیئت تجدیدنظر به تضعیف پارادایم حمایت از سرمایه‌گذاری منجر شود. البته هدف از راه‌اندازی این هیئت نه تضعیف رویه

۱. شایان ذکر است، تا ماه مه سال ۲۰۱۴ میلادی، ایکسید به ۲۸۳ پرونده اختلاف بین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌های میزبان پایان بخشیده است. ر.ک. فهرست پرونده‌های فیصله‌یافته ایکسید (۲۰۱۴).
<http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet?requestType=CasesRH&actionVal=ListCases>
 تنها در تقریباً هشت پرونده از این ۲۸۳ اختلافات سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران علیه کشورهای صادرکننده سرمایه اقامه دعوا کرده بودند. کشورهای مطرح در این پرونده‌ها عبارتند از: ایسلند، زلاند نو، اسپانیا، ایالات متحده آمریکا (سه مورد) جمهوری چک و جمهوری فدرال آلمان. به همین ترتیب، از بین ۱۸۸ پرونده‌ای که در انتظار رسیدگی در دیوان‌های ایکسید هستند، فقط ۱۰ پرونده اختلاف سرمایه‌گذاری به اقامه دعوا علیه کشورهای صادرکننده سرمایه اختصاص دارد. کشورهای مطرح در این پرونده‌ها عبارتند از: کانادا (دو مورد)، ایالات متحده آمریکا، جمهوری فدرال آلمان، اسپانیا، ایتالیا، قبرس، مجارستان و بلژیک.
 ۲. ر.ک. مقدمه کنوانسیون ایکسید.

حمایت از سرمایه‌گذاری، بلکه ایجاد انصاف و توازن بین بازیگران مختلف است. این توازن در صورتی به دست می‌آید که طرفی که احساس می‌کند تحت ظلم واقع شده است، فرصتی داشته باشد تا بتواند برای تصحیح اشتباهات ادراک شده به مقامی بالاتر متوسل شود. نتیجه نهایی این رویه تحکیم انصاف، شفافیت، اعتبار و مشروعیت فرایند داوری ایکسید است که به نفع همه طرف‌های متعاقد نیز خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با وجود کلیه انتقادهایی که به داوری اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری وارد می‌شود، یک سید یکی از نهادهای مؤثر بین‌المللی است که در جامعه بین‌المللی از طریق حل تعداد زیادی از اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری مشارکت مهمی داشته است. این نهاد در میان سرمایه‌گذاران و دولت‌ها، در زمینه داوری اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری، مشهورترین و شفاف‌ترین نهاد باقی مانده است. با وجود این، نارضایتی‌ها و درخواست‌های تغییر را نباید نادیده گرفت، به خصوص از جانب آن دسته از افرادی که به طور کلی از داوری اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری حمایت می‌کنند. از یک طرف، این درخواست‌ها به این معناست که نیازمند مشارکت معنادار جامعه داوری اختلاف‌های ناشی از سرمایه‌گذاری در بحث‌های مربوط به اصلاح حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی و مؤسسات مربوط به آن است. در هر حال، استفاده از برخی پیشنهادهاى مطروح، از جمله پیشنهادهایی که درباره تأسیس نوعی سازوکار یا دیوان دائمی تجدیدنظر یا شبه تجدیدنظر هستند، کاملاً امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، مزایای مشروعیت معیارهای تفسیری که به دنبال تحمیل قرائتی محدودکننده از دلایل صدور حکم ابطال داوری است، باید دوباره بررسی شوند. کمیته تخصصی باید این اختیار را داشته باشد تا در محدوده قواعد ایکسید و در پرتو هدف اصلی این کنوانسیون، دیدگاه‌های قضایی خود را در اعمال روش جبران خسارت به شیوه ابطال رأی داوری به کار گیرد.

به هر حال، با توجه به نارضایتی‌ها از برخی احکام صادره و همچنین عملکرد نظام فعلی داوری دعاوی سرمایه‌گذاری، ایجاد نوعی سازوکار تجدیدنظر مشابه هیئت تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی برای داوری دعاوی سرمایه‌گذاری با توجه به موفقیت نسبی این نهاد در سازمان جهانی تجارت، ضروری است. جلسات هیئت رسیدگی سازمان تجارت جهانی به صورت موردی و به روشی شبیه به دیوان‌های ایکسید برگزار می‌شود. برخلاف دیوان‌های این مرکز که فاقد مرحله تجدیدنظر هستند، نظام حل اختلافات سازمان تجارت جهانی نوعی سازوکار برای بررسی درخواست‌های تجدیدنظر دارد. بدیهی است که اقتناع دیپلماتیک و استدلال‌های غیرحقوقی که در همه نظام‌هایی که دولت‌ملت‌ها موضوع آنها هستند، رخ می‌دهند، به صورت کامل از نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی حذف نشده‌اند و به‌ویژه در مرحله مشاوره، همچنان حضور دارند. در این مقاله، علاوه بر اشاره به مجموعه‌ای از هشدارها، نوعی نظام هنجاری تجدیدنظر برای حل اختلافات سرمایه‌گذاری پیشنهاد شده است. بر اساس استدلال‌هایی که مطرح شد، هدف از ایجاد

نظام تجدیدنظر، تضعیف حمایت از سرمایه‌گذاری نیست، بلکه برعکس، نظام تجدیدنظر در صدد برقراری عدالت و توازن بین بازیگران گوناگون است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. آرون برو شه، «قانون حاکم و اجرای احکام در داوری‌های موضوع کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دول دیگر»، ترجمه محسن محبی، دوره ۹، بهار و تابستان ۱۳۶۸، شماره ۱۰ (بهار و تابستان).
۲. مجتهدی، محمدرضا، «درآمدی بر حقوق حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر مبنای کنوانسیون داوری ایکسید»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دوره ۲، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۳
۳. «کنوانسیون حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع دولت‌های دیگر»، مجله حقوقی بین‌المللی، تابستان و پاییز ۱۳۶۵، شماره ۶

پایان‌نامه

۴. ریاحی، شکوفه، «نظام ابطال و اجرای داوری مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید) و آثار آن بر حاکمیت دولت‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل به راهنمایی دکتر محمدعلی بهمنی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
۵. عبداللهی، سید محمدعلی، «تجدیدنظر در آرا داوری بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل به راهنمایی دکتر قنبری جهرمی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.

ب) منابع انگلیسی

Books

6. ICSID, History of the ICSID Convention: Documents Concerning the Origin and the Formulation of the Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States, vols II-2 (ICSID Publication 1968).
7. Shin, Hi-Taek, 'Annulment' in Meg Kinnear and others (eds), Building International Investment Law: The First 50 Years of ICSID (Kluwer Law International 2015).

Articles

8. Alec Stone Sweet, 'Arbitration and Judicialization' (2011) 1(9) Ontai Social-Legal Series 7
9. Appellate Body Report, EC- Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones)
10. Asif H Qureshi, 'An Appellate System in International Investment Arbitration?' in Peter Muchlinski, Federico Ortino and Christoph Schreuer (eds), The Oxford Handbook on International Investment (OUP 2008).

11. Benjamin M Aronson, 'A New Framework for ICSID Annulment Jurisprudence: Rethinking the Three Generations' (2012).
12. Bohmer, Lisa M 'Finality in ICSID Arbitration Revisited' (2016) 31(1) ICSID Rev—FILJ 236, 237.
13. Broches, Aron, 'Observations on the Finality of ICSID Awards' (1991) 6(2) ICSID Rev—FILJ 321, 331.
14. Caron, David D. 'Reputation and Reality in the ICSID Annulment Process: Understanding the Distinction between Annulment and Appeal' (1992) 7(1) ICSID Rev—FILJ 21, 24.
15. Charles M Oldfather, 'Error Correction' (2010)
16. Christoph Schreuer, 'Revising the System of Review for Investment Awards', BIICL publication, (2009).
17. Christoph Schreuer, 'Revisiting the System of Investment Awards', (BIICL publications, 2009).
18. Christoph Schreuer, Revisiting the System of Review for Investment Awards, (BICL publication, (2009).
19. Christoph Schreuer, Revisiting the System of Review for Investment Awards, (BICL publication, 2009).
20. Collins C Aijbo, 'Legitimacy Challenges in Investor-State Arbitration Interpretative Principles: Reflecting on a Balancing Tool' (2013).
21. Erin E Gleason, 'International Arbitral Appeals: What Are We So Afraid of?' (2007) 7 (2) Pepperdine Dispute Resolution.
22. George R Delaume, 'The Finality of Arbitration Involving States: Recent Developments' (1989) 5 Arbi Intl 32.
23. Georgio Sacerdoti, 'Precedent in the Settlement of International Economic Disputes: The WTO and Investment Arbitration Models' Bacconi Legal Research Papers No. 1931560.
24. Ian Laird and Rebecca Askew, Finality versus Consistency: Does Investor-State Arbitration Need an Appellate System?, Journal of Appellate Practice and Process, Vol. 7, No. 2, (2005).
25. ICSID Discussion Paper, 22 October 2004.
26. James Cameron and others, 'Principles of International Law in the WTO Disputes Settlement' (2001) 50 ICLQ.
27. Jason Clapham, 'Finality of Investor-State Arbitral Awards: Has the Tide Turned and is there a Need for Reform?' (2009).
28. Kenneth S Jacob, 'Reinvigorating ICSID with a New Mission and with Renewed Respect for Party Autonomy' (1993).
29. Lacarte-Muro and Gappah (n 92) 400-01. Ngaangjoh Hodu, Theories and Practices of Compliance with WTO Law (Kluwer 2012).
30. Matthew Kennedy, 'Why Are Panels Taking Longer? And What Can Be Done About It?' (2011) 45(1).
31. OECD, Improving the System of Investor-State Dispute Settlement, Working Papers on International Investment Number 2006/1.

32. Pascal Lamy, 'The Place of the WTO and its Law in International Legal Order' (2006) 17 (5).
33. Richard A Posner, *The Federal Courts: Crisis and Reform* (1995).
34. Schreuer, C., *The ICSID Convention: A Commentary*, Cambridge University Press, 2001.
35. Shihata, ICSID Arbitration: The Institution's Point of View South Western Legal Foundation Proceedings of the Thirty-sixth Annual Symposium on Private Investment Abroad-problems and Solutions in International Business in 1993, § 16.01.
36. UNCTAD, Reform of Investor-State Dispute Settlement: In Search of a Roadmap, (2013), <[http:// unctad.org/en/PublicationsLibrary/webdiaepcb2013d4_en.pdf](http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/webdiaepcb2013d4_en.pdf).
37. UNCTAD, Reform of Investor-State Dispute Settlement: In Search of a Roadmap.

Documents

38. Companiá de Aguas del Aconquija SA and Vivendi Universal SA v Argentine Republic, ICSID Case No ARB/97/3, Decision on the Argentine Republic's Request for Annulment of the Award Rendered on 20 August 2007 (10 August 2010) (Vivendi II).
39. Daimler Financial Services AG v Republic of Argentina, ICSID Case No ARB/05/1, Decision on Annulment (7 January 2015).
40. Duke Energy International Peru Investments No 1 Ltd v Republic of Peru, ICSID Case No ARB/03/28, Decision of the ad Hoc Committee (1 March 2011).
41. Hussein Nuaman Soufraki v United Arab Emirates, ICSID Case No ARB/02/7, Decision of the ad Hoc Committee on the Application for Annulment of Mr. Soufraki (5 June 2007).
42. ICSID, Updated Background Paper on Annulment for the Administrative Council of ICSID (5 May 2016) (Updated Background Paper).
43. Kilç, İnsaat İthalat İhracat Sanayi ve Ticaret Anonim Şirketi v Turkmenistan, ICSID Case No ARB/10/1, Decision on Annulment (14 July 2015) (Kilç).
44. Kloçkner Industrie-Anlagen GmbH and others v United Republic of Cameroon and Sociéte Camerounaise des Engrais, ICSID Case No ARB/81/2, Decision on Annulment (3 May 1985) (Kloçkner).
45. LaGrand (Germany v United States of America), Judgment [2001] ICJ Rep 466, para 101.
46. Maritime International Nominees Establishment v Republic of Guinea, ICSID Case No ARB/84/4, Decision on the Application by Guinea for Partial Annulment of the Arbitral Award dated January 6, 1988 (22 December 1989) (MINE).
47. MCI Power Group, LC and New Turbine, Inc v Republic of Ecuador, ICSID Case No ARB/03/6, Decision on Annulment (19 October 2009).
48. Report of the Executive Directors on the Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States (18 March 1965).
49. Rome Statute of the International Criminal Court (opened for signature 17 July 1998, entered into force 1 July 2002).